

سنجش و ارزیابی مولفه های موثر بر ارتقای میزان احساس امنیت در محیط های سکونتی (نمونه موردی: محله تهرانپارس غربی)

محمد رضا درودی^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۸

از صفحه ۱۰۳ تا ۱۳۳

چکیده

امنیت به واسطه در برگیری آرامش و آسایش شهروندان در محیط های شهری یکی از شاخص های مهم کیفیت زندگی و مورد توجه برنامه ریزان و شهرسازان می باشد. از این رو امروزه برنامه ریزان شهری بر ضرورت توسعه ای پافشاری می کنند که تمام ابعاد زندگی شهروندان را دربرگیرد؛ آنها چنین توسعه ای را پایدار و در شأن بشر می دانند. یکی از ابعاد این توسعه پایدار، برخورداری افراد به محیط مسکونی مطلوب می باشد که امنیتشان تامین گردد. ارتقا حس امنیت افراد موجب بهبود وضعیت محیط و کاهش ناهنجاری ها می گردد. بدین منظور تحقیق حاضر می کوشد به بررسی مولفه های موثر بر افزایش احساس امنیت در محله تهرانپارس در منطقه چهار تهران، پردازد و ناامنی محیط های سکونتی این محله را مورد بررسی قرار دهد و عوامل موثر در آن را به همراه راهبردهای مناسب برای بهبود امنیت در این محدوده ارائه دهد. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد که در تبیین ادبیات و پیشینه تحقیق و ارائه مدل از مطالعات کتابخانه ای بهره برده شده است و با توجه به تعیین حجم نمونه، تعداد ۳۸۰ پرسشنامه تهیه شده است. تجزیه و تحلیل داده ها نیز با روش SPSS و شاخص CSM می باشد که نتایج حاصل از تحقیق نیز مولفه مدیریت و بکارگیری با میانگین ۲,۸۶، مولفه دسترسی با میانگین ۲,۷۸ و مولفه حس تعلق با میانگین ۲,۵ سه مولفه اساسی در جهت ارتقای میزان احساس امنیت در محدوده هستند که بطور جز تر نیز بکارگیری نورپردازی مناسب، ارتقای فضاهای شهری بالابردن کیفیت فضاها و ساماندهی فضاهای غیر قابل دفاع به عنوان اقداماتی در جهت ارتقای امنیت در محدوده مورد مطالعه شناخته می گردد. همچنین با توجه به شاخص ارزیابی رضایتمندی ساکنین از امنیت محدوده شاخص فیزیکی کالبدی و مدیریت و نگهداری به عنوان بیشترین و کمترین میزان رضایت را بهمراه داشته است.

واژگان کلیدی: احساس امنیت، محیط مسکونی، محله تهرانپارس غربی، شهر تهران

۱. دکتری تخصصی شهرسازی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان واحد یادگار امام خمینی (ره) -شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی،

بیان مسئله

امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته به هیچ وجه حقوق ایشان به مخاطره نیفتند و هیچ عاملی حقوق مشروع آن‌ها را تهدید نکند. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه به این مفهوم، از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌گردد و لازمه حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آن‌ها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعديات امنیت است. مخاطره شامل هر نوع عوامل احتمالی است که منجر به نقض حقوق مشروع افراد می‌شود (جهانبخش گنجه و همکاران، ۱۳۹۵). احساس امنیت یک پدیده روان شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد و از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. احساس آزادی نسبی از خطر این احساس وضع خوشایندی را در افراد ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش روحی و جسمی می‌گردد.

در دوره اخیر توجه به محیط‌های سکونتی به ویژه در نواحی شهری به عنوان زیستگاه اصلی ساکنین افزایش یافته است و اهمیت مسائل محیط شهری هیچ‌گاه به اندازه امروز نمایان نبوده است (رفیعیان و عسگری زاده، ۱۳۸۸). از این رو امروزه تحقیق در مورد مسکن علاوه بر مطالعه ابعاد فیزیکی، شامل جنبه‌های ساختاری، عملکردی و هویتی محیط مسکونی نیز می‌شود (محیط، ۲۰۱۰). از طرفی دیگر جمعیت جهان با توجه به تغییر سبک زندگی روستایی به شهری در دهه کنونی به طرز قابل توجهی در حال شهری شدن است (کاسیلی و همکاران، ۲۰۱۴، پاتل و بروکل، ۲۰۱۲). در این زمان، تخمین زده شده که بیش از یک میلیون نفر در محلات پر جمعیت شهری اسکان دارند، جایی که وقوع خشونت و گسترش بیماری‌ها در آن وجود دارد (پاتل و بروکل، ۲۰۱۲، بانک جهان، ۲۰۱۱، کروگ و همکاران، ۲۰۰۲). در نتیجه رشد سریع روند شهرنشینی، به وقوع جرم و گسترش ناامنی به عنوان «یک بحران مدرنیسم» اشاره شده است (پاتل و بروکل، ۲۰۱۲). با رشد و توسعه‌ی شهرنشینی و گسترش کلانشهرها و پیچیده تر شدن روابط اجتماعی شهروندان در شهرها،

مفهوم امنیت در شهرها، از حالت اولیه و جنبه های فیزیکی محسوس خارج شده و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر گرفته است. رشد و گسترش ناامنی در شهرها با مطرح شدن پیچیدگی فن آوری و تقسیم کار اجتماعی بیش از توسعه ی فیزیکی شهرها بوده و این امر احساس امنیت و آسایش شهروندان را مورد تهدید قرار داده است (بهیان و فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). لذا نگرانی درباره کیفیت زندگی از خصوصیات جامعه معاصر است که می تواند تابعی از کیفیت محیط شهری باشد (پاسیون، ۲۰۰۳) و مطالعه یک محیط مسکونی به دلیل تاثیر گذاری بر شاخص های مهم برنامه ریزی همچون کیفیت زندگی مورد اهمیت است (براور، ۲۰۰۳). بنابر این شاخص امنیت در محیط های شهری یکی از الزامات اساسی در حصول به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان محسوب می شود (صالحی، ۱۳۸۳). همچنین می توان اذعان داشت جرم و احساس ناامنی در محیط های سکونتی یکی از دغدغه های اصلی شهروندان در شهرهای امروزی به شمار می رود. نوع و کیفیت معماری و شهرسازی در کاهش یا افزایش وقوع جرایم تأثیر بسیاری دارد؛ هرچند در تصویب قوانین به این موضوع توجه چندانی نشده است به گونه ای که امروزه درصد قابل توجهی از جرایم مخمل نظم، امنیت و آسایش عمومی افراد، ناشی از همین موضوع یعنی بی توجهی به معماری و شهرسازی صحیح و اصولی است و فقدان ضمانت اجرایی کیفی مؤثر در قوانین مربوط به معماری و شهرسازی، مشکل را مضاعف کرده است. این توجه سبب کاهش وقوع جرم و جنایت تا حد ممکن می شود. به عنوان مثال، اگر به پرونده های وارد شده به مراجع انتظامی و قضایی مربوط به سرقت منازل مراجعه کنیم، مشاهده می شود که درصد قابل توجهی از این جرایم مربوط به طراحی غیراصولی و همچنین عدم رعایت ضوابط معماری و فراهم کردن شرایطی جهت وقوع جرم می باشد (غیاثوند و ذبیحی، ۱۳۹۵). بنابراین مفهوم امنیت در شهر و محلات به عنوان عنصر قانونی فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شهروندان (علیزاده، ۲۰۰۷)، جایگاه بسیار مهمی دارد که در صورت غفلت از آن، پیامدهای منفی بسیاری خواهد داشت (پتیت، ۲۰۰۴) که از مهمترین این پیامدها، کاهش سطح کیفیت محیط مسکونی و رضایتمندی افراد را می توان

نام برد. پژوهش‌های عمومی در زمینه درک کیفیت زندگی^۱، رضایت محله‌ای و سرمایه اجتماعی گویای این حقیقت است که برای اکثر مردم عدم امنیت نوعی نگرانی محسوب می‌شود. بنابراین احساس امنیت و آرامش شهروندان در محیط‌های مسکونی و محل کار، رفت و آمد، تفریح و گذران اوقات فراغت و ... از عوامل مهم و تاثیرگذار بر کیفیت زندگی آنهاست. با توجه به مطالب اشاره شده در کلانشهر تهران، آمارها نشان می‌دهد که رابطه معنی داری بین مناطق مختلف و ماهیت و تکرار جرایم وجود دارد بنابراین، می‌توان این مناطق را بر پایه کیفیت امنیت شهری طبقه بندی نمود (احمدی، ۱۳۸۵). متأسفانه در برخی از مناطق تهران که به دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی و حتی فعالیتی، زمینه‌های مساعدتری برای بروز و تشدید ناامنی وجود دارد شرایط زندگی اجتماعی مردم دچار مشکلات جدی شده است و به نظر می‌رسد باید در حوزه‌های مختلف علمی برای شناسایی و رفع مشکل، اقدامات جدی صورت پذیرد. لذا توجه و تلاش به منظور پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان در محیط اهمیت می‌یابد و با عنایت به گسترش و توسعه روزافزون شهرها و همچنین افزایش سطح تراکم جمعیتی در این محدوده‌ها از اهمیت مضاعفی برخوردار است. محله تهرانپارس غربی واقع در منطقه ۴ شهر تهران، از جمله محله‌های نسبتاً قدیمی است که می‌توان مولفه‌های تاثیرگذار بر امنیت در محیط‌های مسکونی این محدوده را با توجه به سابقه محله و ساکنان آن مورد مطالعه قرار داد.

با توجه به مطالب اشاره شده این پژوهش درصدد رد و یا تایید فرضیات ذیل می‌باشد: به نظر می‌رسد میزان احساس امنیت ساکنین محیط‌های سکونتی محله تهرانپارس در سطح بالایی می‌باشد؛ به نظر می‌رسد مولفه‌هایی مختلفی در شکل‌گیری احساس امنیت ساکنین اثرگذار می‌باشد. همچنین هدف اصلی نوشته حاضر ارزیابی و سنجش میزان احساس امنیت در بین ساکنین محدوده مورد نظر می‌باشد که در این میان اهداف فرعی دیگر مانند تدقیق مولفه‌های موثر بر سنجش احساس امنیت، ارزیابی رابطه بین جابجایی مسکونی خانوار و احساس امنیت و استخراج راهکارهایی بمنظور بهبود و ارتقاء سطح امنیت در محدوده مورد مطالعه نیز دنبال می‌گردد.

مباحث نظری

□

۱۰۷

امنیت در معنای لغوی، ایمن شدن، در امان بودن و آرامش خاطر داشتن را می‌رساند (معین، ۱۳۷۵ ص ۳۵۴). در فرهنگ آکسفورد امنیت^۱، «رهایی یا حفاظت از خطر یا نگرانی، اقدامات پیش‌گیری برای تضمین امنیت یک کشور، شخص، مقوله‌های ارزشی» و ایمنی^۲، «وضعیت در امان بودن، وضعیت بی‌خطر بودن، توانایی برای حفظ سلامتی» معنی شده است (آکسفورد، ۱۹۹۸). قرآن کریم نیز یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و جانشینی صالحان را تحقق امنیت معرفی کرده است (سوره نور، آیه ۵۵). همچنین در آیه دیگری شهری که از نعمت امنیت برخوردار باشد، به سرزمین آرمانی معرفی شده است (سوره نحل، آیه ۱۱۲). تأمین امنیت از اهداف جهاد معرفی شده است (سوره بقره، آیه ۱۹۳). با وجود اشاره به اقدامات پیش‌گیری برای تضمین امنیت در معنی Security، تفاوت فاحشی بین این دو واژه لاتین دیده نمی‌شود. از نگاه جان‌نی‌مورز امنیت یعنی رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش (بوزان، ۱۳۷۸ ص ۳۱). این تهدیدات می‌تواند هم ارزش‌های عینی مانند جان انسان و هم ارزش‌های ذهنی مانند هویت باشد. بنابراین، از «دو بعد ذهنی و عینی برخوردار است؛ در بعد عینی، امنیت به معنای نبود تهدید برای ارزش‌های کسب شده است و در بعد ذهنی مشتمل است بر نبود هراس از این که آن ارزش‌ها مورد حمله قرار گیرند. از این دو از دو عنصر اصلی «تهدید» و «فرصت» برخوردار است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدیدها و بهره‌گیری مناسب از فرصت‌هاست» (عباسی و رکی، ۱۳۸۷). به عقیده بوزان اگر امکانات مقابله بیش از امکانات تهدید باشد، امنیت حاصل است، اما اگر تراکم، حجم و شدت تهدید بیش از امکانات مقابله باشد، آن تهدید موجد ناامنی خواهد بود. از نگاه علمای مکتب کپنهاگ امنیت مطلق قابل تصور نیست و وجود درصدی از ناامنی و بحران، عامل بالندگی و پویایی حیات بشری است.

همچنین از دیدگاه پاتریک مورگان در این باره می‌گوید: «امنیت مانند سلامتی یا منزلت نوعی شرایط است که به آسانی تعریف و تحلیل نمی‌پذیرد» (تریف و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۰). اگر بتوانیم ارزش‌ها را در یک جامعه زنده

۱. Security

۲. Safety

نگه داریم و اجازه ندهیم غبار فراموشی بر آنها بنشیند، به امنیت دست خواهیم یافت. بنابراین مهمترین اصل در این زمینه این است که شهروندان و مسئولان همواره معتقد و پایبند به ارزش‌های کلی مانند حقوق دیگران، عدالت، آزادی، تسامح و دیگر فضایل انسانی بمانند (محمودی نژاد، ۱۳۸۹). ماندل امنیت را چنین تعریف می‌کند: «امنیت یعنی آرامش، نبود هراس، اطمینان خاطر از هرگونه عامل تهدید کننده ی آرامش انسان: اعم از طبیعی یا غیر طبیعی. گیدنز امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۲۷). از دیدگاه حقوق بشر امنیت، اطمینان خاطر است که به موجب آن افراد می‌توانند در جامعه بدون هیچ‌گونه مزاحمتی به زندگی خود ادامه دهند (برژینسکی، ۱۳۶۹: ۱۲). پارسونز برای علقه امنیت، چهار بعد اساسی قایل است. امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فکری، امنیت جمعی (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۶). گیدنز زندگی اجتماعی انسان را واجد الگومندی و ضابطه مندی خاصی می‌داند که در خلال آن الگوهای روابط بین انسانی شکل می‌گیرد و این الگویابی زندگی اجتماعی به مسأله ساخت یابی منتج می‌شود که در جامعه قابل بررسی است و این امر تداوم زندگی را باعث شده و امنیت وجودی را تضمین می‌کند. بر این مبنا گیدنز امنیت وجودی (احساس امنیت) را چنین تعریف می‌کند: زمانی که فرد می‌داند چگونه به کار خود ادامه دهد، بدون آن که وقفه و مزاحمتی برای او به وجود آید حالتی ذهنی و روانی در وی بروز می‌کند که این حالت همان امنیت وجودی (احساس امنیت) است (استونز، ۱۳۷۹: ۴۳۱-۴۳۲). امنیت مفهومی ذهنی و نسبی است که بر پایه اصول متعدد در یک جامعه پدیدار و استمرار می‌یابد. در نگرش‌های سنتی به مقوله امنیت اغلب کاربرد نیروهای نظامی و تهدید محوری مورد توجه بوده، در حالی که در مطالعات امنیتی انتقادی و جامع‌نگر امروز، گروه‌های اجتماعی می‌توانند نه تنها از ناحیه ابزار نظامی بلکه از طریق عوامل محیطی یا اقتصادی مورد تهدید قرار گیرند و این عوامل می‌توانند به نوبه خود یکپارچگی یا استقلال سیاسی یک کشور را مورد تهدید قرار دهند (هارد، ۲۰۱۰). از این رو با توجه به تعاریف ارائه شده، امروزه امنیت از طرف اندیشمندان و صاحب نظران به عنوان یکی از مهمترین نیازهای اساسی انسان در شهرها و اجتماعات انسانی مطرح

می شود. در زمینه امنیت نظریه های گوناگونی ارائه شده است، بر اساس نظریه نیاز انسانی، احساس امنیت زمانی حاصل می شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود در غیر این صورت انسان با ناامنی روبرو می شود (اسمن و کتل، ۱۹۹۰). این نظریه امنیت را در شرایط مطمئنی می داند که ناظر بر زیست و بقای مستمر شرایط و وضعیت اکولوژیک سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی لازم برای کلیه افراد و گروه های هویتی می باشد (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

از معروفترین صاحب نظران این تئوری سایتس است که نیازهای اساسی انسان را به نیاز به واکنش، امنیت، به رسمیت شناختن، انگیزش، عقلانیت و کنترل می داند (سایت، ۱۹۷۳). وی بر این باور است که اگر رخدادهای عینی یا تحولات نظری موجب سلب امکان واکنش مطلوب از انسان شود و هویت او به رسمیت شناخته نشود و انگیزه های او شکوفا نشود، معنای او از زندگی دگرگون می شود و انجام رفتار و تصمیم گیری عقلانی را با محدودیت مواجه می سازد و امکان کنترل افراد بر مدیریت رفتار خود را مختل می نماید و همه این عوامل در نهایت منجر به مخاطراتی برای امنیت جامعه انسانی محسوب می شود (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

یکی از نظریه هایی که به امنیت پرداخته است، نظریه نیازهای سلسله مراتبی مازلو است. مازلو نیازهای انسان را در پنج دسته تقسیم می کند که عبارت است از: نیازهای جسمانی، نیازهای ایمنی، نیازهای تعلق و عشق، نیازهای احترام و نیازهای خودشکوفایی. در سلسله مراتب نیازهای مازلو، نیاز به امنیت و ایمنی در مرتبه دوم قرار دارند و مواردی چون امنیت، ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس و نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان و نظم و قانون، داشتن حامی مقتدر و نظایر آن را شامل می شود (مازلو، ۱۳۷۲: ۱۰۱).

تالکوت پارسونز از جامعه شناسان معروف، امنیت را از رویکردی جامعه شناختی مورد تحلیل قرار داده است. وی مسئله هابزی درباره امنیت را بنیان کار تئوری سازی جامعه شناختی خود قرار داد. اما در حقیقت، مسئله اساسی نظریه تحلیلی کنش پارسونز، مسئله نظم اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۴) که گویای مفهوم امنیت نیز می باشد. پارسونز جامعه را به خرده سیستم هایی تقسیم نموده که هر کدام دارای کارکردی خاص هستند و میزان توانمندی آنان در ایفای کارکردها، عامل دوام و بقای جامعه است و بالعکس، به میزان کاستی در انجام کارکردها،

به انسجام و یگانگی و در نتیجه امنیت جامعه خدشه وارد شده و خطر فروپاشی و زوال آن را تهدید می نماید (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۸).

آیزنشتاد مهمترین مسأله نظم اجتماعی را اعتماد و همبستگی اجتماعی می داند یعنی اینکه بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست از این رو، اعتماد در روند احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی مهم بوده است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

امنیت دارای ابعاد بسیار گسترده و در مقیاس های خرد و کلان است و امنیت محیط شهری و مسکونی نیز حوزه های این مفهوم می باشند. امنیت شهری در معنای آرامش، آسایش و ایمنی در شهر است که یکی از رویکردهای جدید در شهرسازی را با عنوان «شهر ایمن» شکل می دهد. همچنین امنیت در محیط های شهری نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می شود که از مولفه های کیفیت زندگی محسوب می گردد. همانا در توسعه پایدار شهری، کیفیت زندگی انسان را در فضای شهری محور قرار می دهد، به طوری که تداوم زندگی شهروندان توام با بالندگی و رفاه اجتماعی باشد و به پایداری محیط شهری آسیب نرسد. نقطه قوت این نظریه توجه به ارتباط و برقراری رابطه میان عناصر و اجزاء توسعه به شکل منطقی و معقول است که می تواند موجب حفظ و بقای توسعه شود (کوزن، ۲۰۰۵).

تحولات سریع جمعیتی و گسترش جمعیت شهرها تا ۷۰ درصد از جمعیت دنیا، در کنار تحولات زیست محیطی، نیروهای اقتصادی، اجتماعی و جهانی شدن قرن حاضر را به نخستین قرن شهری تبدیل کرده است. زندگی مدرن و شهری شدن فزاینده اگر چه توانسته است مزایایی از قبیل امکان دستیابی به پیشرفت اجتماعی، خدمات و تسهیلات آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و ... برای ساکنان شهرها فراهم بیاورد، اما از سوی دیگر شهرها را به مکان مواجه با چالش های جدیدی تبدیل کرده است. تغییر سبک و الگوی زندگی مدرن و تنش های ناشی از آن از قبیل فشارهای روحی و روانی، اضطراب، استرس، ترافیک، آلودگی هوا و ... تعداد کثیری از ساکنان شهرها را از نیمه دوم قرن بیستم تا کنون تحت تأثیر خود قرار داده است. در این میان رفتارهای نابهنجار، جرایم و خشونت های شهری همواره یکی از اصلی ترین چالش ها و آسیب های اجتماعی پیش روی مدیریت شهرها

و کلانشهرها در جهان بوده است. مطالعات متعدد در حوزه روانشناسی محیطی، شهرسازی، جامعه شناسی و جغرافیای شهری بر تأثیر متقابل انسان و محیط بر یکدیگر تأکید دارند. بدین معنا که به همان اندازه که انسان ها می توانند محیط زندگی خود را دستخوش تغییر کنند، عوامل محیطی نیز می توانند افکار، احساسات و رفتارهای آنها را تحت تأثیر خود قرار دهند. بنابر این امروزه محور اصلی مباحث برنامه ریزی و طراحی شهری محیط مسکونی و توجه به بالابردن کیفیت محیط های سکونی می باشد. برخلاف مفاهیم کیفیت و محیط، گستردگی و پیچیدگی مقوله مسکن^۳ و وجود ابعاد متنوع آن مانع از ایجاد تعریفی واحد برای آن شده است. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستن خانواده و طرح های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است؛ پس تعریف و مفهوم مسکن یک واحد مسکونی نیست بلکه کل محیط مسکونی را شامل می گردد (امانی، ۱۳۸۳، ۶۸). در همین راستا سکنی گزیدن یعنی در آن واحد تعلق خاطر یافتن به مکانی خاص که میتواند مزرعه ای سبز یا خیابانی خاکستری باشد، و تصرف خانه ای که در آن قلب شکوفا شده و مغز به اندیشه در می آید (شولتز، ۱۳۸۱). در قرن حاضر یکی از ویژگی های محیط های مسکونی مطلوب شهری محیط هایی می باشند که امنیت ساکنان آن تا حدی زیادی تامین و آسیب های اجتماعی کمتر شود. کیفیت محیط مسکونی مفهومی واجد ارزش ذهنی محسوب می شود. این ارزش به واسطه ی ارزش محیط مسکونی ارزش ذهنی کلی محیط مسکونی شهری، معادل مجموع ارزیابی های صورت گرفته از ویژگی ها و مؤلفه های سازنده ی محیط عموماً تنها از تعداد محدودی از عملکردهای بالقوه استفاده می کنند. افراد متفاوت فعالیت های متفاوتی انجام می دهند؛ بدین گونه محیط عملکردهای متفاوتی برای افراد گوناگون دارد و معنای متنوعی را می آفریند (میسترز، ۱۳۹۳). تأثیر محیط ها و فضاهای شهری نه تنها در بروز فضایل انسانی که در صورت عدم برنامه ریزی یا طرح ریزی نادرست، ظهور و تشدید رفتارهای نابهنجار اجتماعی است (خیبری، ۱۳۹۴: ۱۲). فیکر^۱ هرگونه ناهنجاری در فضای شهری را مقدمه نامنی بشمار آورده و انبوهی

جمعیت جوان در شهرهای بزرگ را خطری برای امنیت پایدار شهری می‌داند. به نظر وی مسائل عمده کلان شهرها مهاجرت فزاینده روستا-شهری و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، حاشیه نشینی و جمعیت فقیر شهری است که می‌تواند به ناپایداری امنیتی منجر شود (فیکر، ۱۹۷۱: ۳۴۴). شهرها با آرایش محله‌ها و با بهره‌گیری از جایگاه و با مکان‌گزینی، در واقع بازتاب تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فضای جغرافیایی خود هستند و فضاهای شهری بسیار متفاوت از یکدیگرند و این تمایزات در اثر مکان‌گزینی تکمیلی یا انحصاری و ترکیب اجتماعی جمعیت پدید می‌آید (کارگر و قراگوزلو، ۱۳۹۱). در واقع افراد محیط‌هایی را برای سکونت انتخاب می‌کنند که بتواند آسایش و انتظارات آنان را برآورده سازند؛ در غیر این صورت موجب نارضایتی سکونتی از آن محیط و تصمیم برای جابجایی به محیط مطلوب را آغاز می‌کنند. اهمیت امنیت در محیط‌های مسکونی و محله بقدری می‌باشد که جولویس^۱ معتقد است که نرخ جرم و جنایت در منطقه مسکونی و میزان امنیت تاثیر بسیاری در اولویت انتخاب محیط مسکونی دارد (اوکتای و اورکونگلو^۲، ۲۰۰۷).

از این رو رضایتمندی از مسکن، ابعاد کالبدی و اجتماعی نسبتاً مشخصی را دارا است، در ارتباط با جنبه‌های کالبدی می‌توان به مقدار فضای واحد مسکونی، تعداد اتاق‌ها، مساحت خانه، سرانه فضای باز، ظاهر درونی و بیرونی و تأسیسات و در ارتباط با ابعاد اجتماعی آن می‌توان به شاخص‌هایی هم چون نفر در اتاق، نفر در واحد مسکونی، خانوار در واحد مسکونی و ... اشاره نمود (پوراحمد، ۱۳۹۱). «ریف واتر» معتقد است در میان قشر کم درآمد و محروم همواره نگرانی از وقوع جرم و تجاوز به حریم واحد مسکونی وجود دارد و امنیت واحد مسکونی یکی از استانداردهای مطلوب مسکن برای آن‌ها تلقی می‌گردد (آرمیتاژ و مونچوک، ۲۰۱۰). لذا توجه به مولفه‌های تاثیرگذار بر ارتقای میزان حس امنیت در محیط‌های مسکونی افراد امروزه کار بسیار مهم تلقی می‌گردد. بنابراین با توجه به این پژوهش از مولفه‌های جدول زیر به عنوان شاخص‌های موثر در محیط‌های سکونتی ذکر می‌گردند.

۱. Julius

۲. Oktay&Orcunoglu

جدول شماره (۲): تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت (منبع:

حاتمی نژاد و همکاران، بانده کی اصلاحات نگارندگان)

توضیح	مولفه های موثر	
<p>برای طراحی یک محیط مسکونی با هدف ایجاد فضایی قابل دفاع، تقسیم بندی فضایی به صورت فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی به تشخیص اینکه چه کسانی مجاز به حضور در چه فضایی هستند کمک خواهد کرد. همچنین ایجاد فضای قابل دفاع با استفاده از عناصر فیزیکی و طرح های معماری متنوعی مانند طراحی سایت، واحد همسایگی و موقعیت آن ها، راه ها، پنجره ها، راه پله، درها، آسانسور و ... امکان پذیر است (کوپر، ۱۹۸۶).</p>	طراحی مناسب	فیزیکی و کالبدی
<p>حذف فضاها و ساختمان های عمومی متروکه و بدون استفاده و همچنین از بین بردن فضاهایی که غیر قابل استفاده در محیط های مسکونی می باشند از جمله اقدامات در این زمینه می باشد. زیرا که در این فضاها قابلیت وقوع جرایم بسیار بالا بوده و معمولا فضایی مناسب برای جمع شدن معتادان، افراد بی خانمان و خلافکاران است (اشنایدر، ۲۰۰۷).</p>	حذف فضاهای آسیب پذیر	
<p>توجه به داشتن تصویر ذهنی کامل از پدیده فضایی به منزله ادراک منطقی آن و در صورت استمرار، موجب احساس این همانی، و این همانی باعث احساس من و ما در محیط، احساس امنیت، آسودگی خاطر و اعتماد به نفس و تطبیق پذیری و سازگاری با فضاست (زاد رفیعی، ۱۳۸۴). بنابراین با تقویت احساس تعلق شهروندان نسبت به فضاهای عمومی شهری، آنان این فضا را متعلق به خود دانسته و بدون احساس ترس، اضطراب یا خجالت از آن بهره برداری می نمایند.</p>	حس تعلق	
<p>بالا بردن کیفیت عرضه ها و فضاهای عمومی توسط مدیریت شهری در محیط های سکوتی بهمراه ایجاد جاذبه های سرمایه گذاری خود می تواند از دلایل موثر ارتقای سطح امنیت در محیط های مسکونی باشد.</p>	رسیدگی و نظارت مستمر بر فضا	مدیریت و نگهداری
<p>با جایگذاری مناسب مبلمان و تجهیزات شهری و همچنین مکان یابی کاربری های که موجب تجمع جمعیت گردند تا حدود زیادی می توان میزان امنیت در یک محیط مسکونی را ارتقا بخشید و از وقوع جرم به حدی کاست؛ زیرا وجود جمعیت خود عاملی جهت کاهش نا امنی شهری است.</p>	مکان یابی بهینه کاربری ها	

	نظارت	نظارت بر فضاها	نظارت	دسترسی
<p>بطور کلی وجود هماهنگی بین کاربری‌ها و همچنین وجود کاربری‌های شبانه در بافت‌های مسکونی سبب افزایش حس امنیت در میان ساکنین می‌گردد. تحقیقات نشان داده است که محلاتی که دارای تناسب و هماهنگی منسجم بین بافت‌های خود می‌باشند و همچنین دارای کاربری‌های شبانه هستند امنیت بالاتری دارا می‌باشند</p>	<p>یکی از اصول ارتقای میزان حس امنیت در محیط‌های مسکونی و محلات قرار دادن باز شوها شامل درها و پنجره‌ها به سمت خیابان می‌باشد زیرا اینگونه طراحی سبب نمایان گشتن اشراف دائمی کاربران بر فضاهای عمومی و کاهش ناامنی می‌گردد. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت اگر چه بالقوه این گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط منافع و « فرایند گذار از اندیشه به عمل » وی کمتر خواهد بود. زیرا وی در خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محل به دلیل نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنین، پلیس و نهادها بالا خواهد بود در نتیجه از ارتکاب جرم منصرف می‌شود (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷).</p>	<p>با نورپردازی مناسب شهر و فضاهای آن نه تنها در جهت خوانایی بیشتر، بلکه در ایجاد یک تصویر ذهنی روشن از شهر در شب به مردم نیز می‌توان کمک شایانی کرد. نورپردازی مناسب می‌تواند یکی از عوامل تقویت کننده ی هویت یک مکان و ارتقاء شخصیت ویژه آن محسوب شود و هم چنین می‌توان بر جذابیت و در نتیجه سرزندگی شهر یا آرامش فضاهای آن افزود و حضور شهروندان را در فضا تقویت کرد و موجب کارایی بیشتر آنها در تمام اوقات شبانه روز شده و با حضور دائمی شهروندان در فضا به نوعی رونق اقتصادی مکان و امنیت آن را به همراه داشت.</p>	<p>سهولت و دسترسی بصورتی که همه افراد قادر به استفاده از آن باشند و همچنین سرزندگی و پویایی این مسیرها در جهت بالا بردن جذابیت‌های جمعیتی و جلوگیری از خالی شدن مسیر از جمله اقدامات موثر در محیط‌های سکونتی می‌باشد که ترکیب گونه‌های مختلف حرکتی مانند پیاده، سواره، دوچرخه را نیز سبب بالا رفتن سطح امنیت مسیر و چارچوب‌های حرکتی می‌گردد.</p>	<p>طراحی کوچه‌های بن بست و کوتاه، بکارگیری درها و پنجره‌های استاندارد و همچنین طراحی اصولی در جهت نظارت ساکنان بر ورودی و خروجی منازل از راهکارهای مناسب در این زمینه می‌باشد با کم کردن ورودی ساختمان به حداقل ممکن می‌توان از میزان آماج جرم کاست. تحقیقات نشان می‌دهد که، مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترسی و ورودی محدودی دارند جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند (فورچی، ۱۳۸۱). علاوه بر این خانه‌هایی که دسترسی به آنها آسان است مانند خانه‌هایی که در تقاطع و چهار راه‌ها قرار دارند نسبت به خانه‌هایی که دسترسی به آنها محدود است مانند کوچه‌های بن بست میزان سرقت بیشتری است.</p>

پیشینه تحقیق

بررسی تجربیات در زمینه ارزیابی امنیت در محیط‌های مسکونی نشان می‌دهد که پژوهش‌های مختلفی در این زمینه صورت گرفته است. اکثر این مطالعات امنیت در جنبه‌های مختلف بویژه طراحی محیط مسکونی بررسی کرده‌اند. ■ مکتب جامعه شناسی شهری شیکاگو را می‌توان به عنوان نخستین نظریات

در زمینه جرائم شهری و امنیت در محیط های شهری مطالعات دانست که با توجه به ویژگی های اقتصادی و اجتماعی و کالبدی مناطق مختلف شهر را مورد بررسی قرار داده و بر این عقیده بودند که مطالعه رفتار ساکنان شهری، در قالب محیط های شهری، امکان پذیر است. به باور آنان، ویژگی های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی در جرم زا بودن منطقه تأثیرگذار است. استارک^۱ از پژوهشگران مکتب شیکاگو در سال ۱۹۲۵، پنج جنبه از ساختار شهری را جزء فاکتورهای پیش بینی کننده ارتکاب جرم در محلات برشمرد که عبارت اند از: تراکم، فقر، کاربری مختلط، جابجایی مداوم و خرابی و فروریختگی ساختمان ها (احمدآبادی و دیگران، ۱۳۸۶).

■ چندین سال بعد در سال ۱۹۶۸ مازلو در تئوری هرم نیازها خود، امنیت را به عنوان یکی از نیازهای ضروری و پایه ای برای تعالی انسان تلقی می کند، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیکی انسان که برای تداوم حیات ضرورت دارد و در مجموع ارتقای این مولفه بر سلامت و سعادت انسان ها و در نتیجه جامعه تأثیر مستقیمی می گذارد (مازلو، ۱۳۷۵). می توان اذعان کرد بیشترین توجه به امنیت در محیط های شهری با تحقیقات نویسنده گانی نظیر جیکوبز (۱۹۸۶)، جفری (۱۹۷۱) و نیومن (۱۹۷۳) در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ادامه پیدا کرد (ذیحی و همکاران، ۱۳۹۲).

■ همچنین جین جیکوبز اولین فردی بود که به ارتباط بین تعاملات انسانی، طراحی شهری و پیشگیری از جرم با یکدیگر اشاره کرد. جیکوبز، در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می سازند توجه نموده و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید کرد (الیاس زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹). وی ایجاد حرکت، استفاده های فعال از سطح خیابان و فعالیت های خیابانی و مراقبت های طبیعی از این فعالیت ها را به عنوان مولفه هایی در جهت ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد میکند. ایده بنیادی او این بود که یک فضای شهری امن است اگر پوشش جمعیتی مناسبی داشته باشد، یا چشم های ناظر زیادی در آن فضا وجود داشته باشد (جیکوبز، ۱۹۶۱).

■ هنگامی که جیکوبز امنیت را در شلوغی فضاهای عمومی مشاهده کرد، اسکار نیومن در استدلال اینکه فضاهای خصوصی حتی امن تر هستند یک پله جلوتر رفت. نیومن معتقد بود، یک فضای کوچکتر و خصوصی تر، ساکنان را به گسترش دامنه کنترل شان روی فضا تشویق می کند، به گونه ای که منجر به کاهش جرم خواهد شد. وی در مطالعه ای در شهر نیویورک به این نتیجه رسید که نرخ جرم در آپارتمان های بلند مرتبه موجود نسبت به پروژه های مسکونی کم ارتفاع رشد بالایی دارد. او این طور استنتاج کرد که این مسئله به این علت بود که ساکنان هیچ گونه کنترل یا مسئولیت شخصی برای فضایی که توسط مردم زیادی اشغال شده بود احساس نمی کردند. نیومن و جیکوبز هر دو اعتقاد داشتند که موفقیت یک فضای قابل دفاع وابسته به نظارت و پایشی است که توسط ویژگی های فضایی آن به القا می شود.

■ همچنین مطالعات جفری که خالق رویکرد «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»^۱، به تاثیرات عواملی نظیر طراحی، روانشناسی، فیزیولوژی و زیست شناسی در بروز ناامنی اعتقاد دارد. او معتقد است که برای پیشگیری از جرایم باید هر دو جنبه اثرات محیط بر رفتار انسان و همچنین زمینه های ژنتیکی در بروز جرم، لحاظ گردد (جفری، ۱۹۷۱).

■ بر اساس تعریف انسیتیوی ملی جرائم امریکا پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی عبارت از طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته شده، که می تواند باعث کاهش ترس و وحشت از جرم و بهبود کیفیت زندگی گردد (ایرمانش، ۱۳۸۴).

■ وکرل و وایتزمن در سال ۱۹۹۵ نظریه رویکرد شهرهای امن را با تاکید بر مدیریت و پیشگیری جرم در محله ارائه کردند. آنها آگاهی از محیط، نظارت دیگران و یافتن کمک را به منظور افزایش ایمنی و امنیت در محله را بیان و بر یکپارچه نمودن این فاکتورها برای بالا بردن ایمنی و امنیت تاکید کردند (ویکرلر و وایتزمن ۲، ۱۹۹۵).

■ در مطالعات دیگر در زمینه امنیت، گرین برگ و همکارانش نشان دادند

۱. CPTED : Crime Prevention Through Environmental Design

۲. Wekerle & Whitzman

که دل بستگی عاطفی به منزله عنصر اساسی در هم بستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل منطقه ای به شمار می رود؛ چراکه احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می شود افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماع هستند و اجتماع به فکر آنان است (گرینبرگر، ۱۹۸۲).

■ در زمینه تاثیر امنیت بر رضایتمندی مسکونی مطالعات مختلفی صورت گرفته است که می توان به وضعیت شاخص های جرم و جنایت، فقر و اختلالات اجتماعی و اثرات آن بر رضایتمندی محله اشاره کرد (آلبرانت، ۱۹۸۴؛ مارنس و رودگریز، ۱۹۷۵).

■ نتایج مطالعه یوکوبابا و مارک آوستین در سال ۱۹۸۹، نشان داد که بهبود خصوصیات محیطی و وضعیت بهتر ساکنان واحد همسایگی موجب افزایش رضایتمندی بیشتر ساکنان می شود و این امر باعث افزایش امنیت در محله میگردد (بابا و آستین، ۱۹۸۹).

■ جیمز و همکارانش ۱ در سال ۲۰۰۹ بیان کردند نرخ جرم و جنایت در منطقه علاوه بر دسترسی به خدمات و کیفیت مسکن و ویژگی های محیط مسکونی تاثیر بسزایی در رضایتمندی ساکنین از محیط سکونتی دارد (جیمز و همکاران، ۲۰۰۹).

■ همچنین به اثبات رسیده است که درک از اجتماع و محله نقش مهمی در شکل گیری خصوصیات واقعی مسکونی و خانوار، به ویژه برداشت ها از جرم و جنایت، نظم اجتماعی، و روابط اجتماعی دارد و می تواند در برداشت افراد از رضایتمندی مسکونی تاثیر گذار باشد (هیپ، ۲۰۱۲؛ لارن رس، ۲۰۱۲).

■ نتایج تحقیقات در وینی پگک ۲ نشان داد عامل بسیار قوی که با بیش ترین مقدار جرائم در واحد همسایگی مرتبط می شود، سطح نامساعد اجتماعی اقتصادی سکونت است (ویزنر و همکاران، ۲۰۰۴).

■ اخیراً کار تیم بیل هیلیر ۳ با استفاده از نرم افزار اسپیس سیتکس ۴ نیز در بعد کالبدی، تجمیع خیابان ها و لایه های آن را به عنوان مولفه های کلیدی در ایجاد یک محیط امن شهری معرفی کرده اند. از نظر این گروه بهترین

۱. James et al

۲. weniping

۳. Bill Hiller

۴. Spatial Syntax

محیط‌های شهری آنها می‌باشند که بخوبی با الگوی شهری یکپارچه شده‌اند و امنیت عمومی را ترویج می‌کنند (بویل و همکاران، ۲۰۰۴).

■ در تحقیقی دیاس و همکاران در سال ۲۰۰۷ در برزیل، نقش آرایش فضایی در ایجاد رفتارهای خاص استفاده‌کنندگان بررسی شد. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد عوامل اجتماعی و فضایی با توجه به اثری که بر اجزای محیطی و شناخت فضایی محیط‌های باز شهری دارند، بر کمبود امنیت و افزایش جرم تأثیر گذارند.

■ همچنین این تحقیقات در ایران نیز نشان دهنده اهمیت این موضوع می‌باشد بطوری که رحمت، محمدرضا، (۱۳۹۳) پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، چاپ دوم، نشر میزان، تهران. نویسنده در این کتاب ضمن بیان مقدمه‌ای درباره رابطه متقابل محیط و جرم، به بررسی رویکردهای مختلف پیشگیری از جرم از طریق طراحی پرداخته و در بخش پایانی الگوهای پیشنهادی برای پیشگیری از جرم در فضاهای عمومی، ساختمان‌های شخصی و آپارتمان‌های مسکونی را پیشنهاد می‌کند.

■ استولارد، پل، (۱۳۹۰) پیشگیری از جرم از طریق طراحی مسکن، ترجمه: هاشمی، مناف؛ حسین پور، علی، نشر هله، تهران. نویسنده این کتاب در بخش نخست پیشینه‌ای را در مورد طراحی و جرم بیان می‌کند و در بخش‌های بعدی به روند طراحی مکان و روند طراحی خانه‌ها در برابر پیشگیری از وقوع جرم می‌پردازد.

■ بهرام بیات؛ (۱۳۹۴). در پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی، تاکید کرده است که از نتایج تحقیق وی اهمیت و تاثیر عوامل فردی و خانوادگی، میزان جرم، سرمایه اجتماعی و فضای شهری بر احساس ناامنی می‌باشد.

■ کمالی، ماندانا در سال ۱۳۹۲ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود راهبردها و معیارهای طراحی شهری برای دستیابی به امنیت شهری با استفاده از پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی مطالعه موردی: محله کوچمشگی زنجان را مورد ارزیابی قرار داد که از نتایج تحقیق وی لزوم توجه به فضاهای قابل دفاع و حذف فضاهای جرم‌خیز در محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

محدوده مورد مطالعه

قبل از تقسیمات سال ۱۳۸۷ شهرداری محدوده فعلی تهران پارس غربی با نام تهران پارس شناخته می‌شد. این محله (تهران پارس غربی) در حال حاضر از شمال به بزرگراه وفادار، از جنوب به بزرگراه رسالت، از شرق به بلوار کاظم - بلوار شاهد (پروین) و از جهت غرب به خیابان اردیبهشت - بلوار دلاوران - بزرگراه شهید باقری ختم می‌شود (طرح تفصیلی منطقه ۴، ۱۳۸۸). محله تهران پارس غربی از شمال با محله مجیدآباد و محله قنات کوثر، از جنوب با منطقه ۸ شهرداری تهران، از طرف شرق با محله تهران پارس شرقی و از طرف غرب با سه محله اوقاف و علم و صنعت و نارمک همسایه بوده و در ناحیه ۵ شهرداری منطقه ۴ تهران قرار گرفته است. محله تهران پارس دارای چهار فلکه است. ساختار شهرسازی این ناحیه هم چون نارمک برپایه اصول شهرسازی نوین بنا شده است. مالک اصلی تهران پارس، فردی زرتشتی به نام ارباب هرمز بوده و در حال حاضر نیز زرتشتیان در این محله (به ویژه فلکه دوم) ساکن هستند. در خیابان جشنواره، آتشکده زرتشتیان قرار دارد. از ویژگی‌های مهم تهران پارس، نام گذاری کوچه‌های این محله می‌باشد که بر مبنای شماره گذاری اعداد زوج است و به صورت شرقی و غربی از سه راه تهران پارس تا فلکه چهارم ادامه دارد (تهران ۱۰۰، ۱۳۸۷: ۵۰). هر دو محله تهران پارس شرقی و غربی دارای این اصول مهندسی و شهرسازی هستند. ۴ فلکه اصلی تهران پارس در محله تهران پارس غربی قرار گرفته است. سنجش وضعیت فعلی محدوده بر اساس تکنیک سوات^۱ نشان می‌دهد که شرایط و ویژگی‌های به شرح زیر عبارتند از:

شاخص های پایه ای		مجموعه ۱۶ محله ای، ۱۶ محله ای، ۱۶ محله ای
کمیت		
۱۰۳۹۱۱	جمعیت	
۸۴۷۳	شاغل	
۳۱۳۱۰	تعداد خانوار	
۳/۳۱	بعد خانوار	
۲۹۵۳	تعداد واحد مسکونی موجود	
۱۴۹	متوسط تراکم ساختمانی مسکونی	
۱۶۰	متوسط مساحت قطعات مسکونی	
۱/۲	تراکم خانوار در واحد مسکونی	
۲۹۷	تراکم ناخالص جمعیتی	
۳۵۸۲۶	تعداد شاغلین	
۱۸۵	متوسط مساحت قطعات	
۳/۷	نسبت ساکن به شاغل	



شکل شماره ۱: نقشه و جدول اطلاعات کلی محدوده، (منبع: گزارش طرح تفصیلی منطقه ۴، ۱۳۸۵)

جدول شماره ۲ ارزیابی محدوده مطالعاتی با استفاده از تکنیک SWOT

تهدید	فرصت	ضعف	قوت
چند قطعه شدن و گسستگی بافت توسط بزرگراهها افزایش نا به هنگامیهای اجتماعی در منطقه به دلیل دوطرفه شدن بافت تراکم بالای جمعیتی و کاربری مسکونی در محدوده	محصور بودن محله توسط معابر شریانی تفکیک مناسب معابر محله دسترسی سریع به پایانه مسافربری درون شهری و بیرون شهری دسترسی به ایستگاه مترو وجود کاربریهای فرامنطقه ای	اختصاص حدود ۵۰ درصد اراضی به مسکن (دو برابر متوسط شهر) کمبود برخی از خدمات محله ای در محدوده تاریکی برخی از معابر و عدم توجه به نورپردازی تمایل به جابه جایی در بین ساکنان کمبود سرانه فرهنگی و تفریحی در محدوده	وجود شبکه مناسب داخلی طراحی شده عبور و مرور در محدوده موقعیت مطلوب محدوده و دسترسی مناسب به بزرگراهها و شریان های کلیدی تهران سابقه سکونت طولانی در محدوده آشنایی بیشتر ساکنان با یکدیگر



هدف اصلی تحقیق، سنجش و ارزیابی مولفه‌های تاثیر گذار در افزایش احساس امنیت در محیط‌های مسکونی در محله تهرانپارس غربی تهران است. از روش تحقیق توصیفی، جهت مرور منابع و تحقیقات پیشین، تعریف مفاهیم و تدوین مبانی نظری و گردآوری داده‌ها به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و عملیات میدانی انجام شده است. همچنین در این پژوهش ارزیابی میزان امنیت با استفاده از روش غیر مستقیم می‌باشد. این روش از طریق تقسیم بندی شاخص‌های امنیت در محیط‌های سکونتی در محدوده مورد مطالعه در دو سطح صورت گرفته است (جدول شماره ۳). در سطح اول مولفه به پنج معیار (فیزیکی و کالبدی، حس تعلق، مدیریت و نگهداری، نظارت، دسترسی) تقسیم و در سطح دوم نیز هر کدام از این چهار معیار به تعدادی زیر معیارهایی تقسیم شده است. تحقیق حاضر یک مطالعه پیمایشی و از نوع کمی می‌باشد، داده‌ها با استفاده از ابزار پرسش نامه گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش، شامل ساکنین محله تهرانپارس غربی است و حجم نمونه با توجه به جمعیت حدودی ۱۰۳۹۰۰ نفری برآورد گردید. روش نمونه‌گیری، تصادفی است و برای سنجش متغیرهای کیفی از مقیاس سنجش لیکرت و در تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آزمون‌های آماری خی دو و گاما استفاده شد. با توجه به اینکه تعداد خانوارهای ساکن محله مورد مطالعه زیاد بوده و بررسی نظرات و اطلاعات آنان طاقت فرسا می‌باشد از فرمول تعیین نمونه استفاده شده و با استفاده از فرمول تعیین نمونه کوکران، حجم جامعه آماری ۳۸۰ نفر برآورد گردیده است. شیوه کمی کردن این شاخص‌ها نیز با استفاده از روش مستقیم پرسشنامه بوده است. پرسشنامه‌ها نیز به دو بخش سوالات شخصی و اقتصادی خانوار و بخش دوم سوالات مربوط مولفه‌های اشاره شده تدوین گشته است. در ارتباط با پایایی ابزار سنجش به نظرات متخصصین علوم اجتماعی اکتفا شده و اعتبار پرسش‌نامه‌ها به ترتیب محیط مسکونی ۸۲٪ و مولفه‌های موثر بر ارتقای میزان حس امنیت ۸۰٪ درصد از طریق آزمون الفای کرونباخ به دست آمد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو نوع نتایج آماری، آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده و نتایج حاصل از نمونه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون بررسی قرار گرفته است.

$$n = \frac{NT^2 S^2}{d^2 (N-1) + T^2 S^2} \quad n = \frac{103900(2/58)^2 \cdot (1/85)^2}{(0/05)^2(29437) + (2/58)^2 \cdot (1/85)^2} = 380$$

یافته‌های پژوهش

با توجه به هدف پژوهش فرآیند تجزیه و تحلیل با استفاده از پرسشنامه و تحلیل داده‌ها گراوری شده و سپس از طریق نرم‌افزار SPSS داده‌ها بر مبنای تکنیک‌های آماری مانند میانگین، تحلیل عاملی و رگرسیون ارزیابی می‌گردد. به منظور دستیابی به نتایجی کامل در سنجش احساس امنیت در محله تهرانپارس غربی در منطقه ۴ شهر تهران، فرایند روش شناختی زیر انجام گردیده است. در این مرحله پس از توزیع ۳۸۰ پرسشنامه در محدوده اقدام به وارد کردن داده‌ها در نرم‌افزار SPSS گردید و تحلیل‌ها انجام گردید.

با توجه به فرضیه دوم که وجود مولفه‌هایی مختلف را در شکل‌گیری احساس امنیت ساکنین تاثیر گذار میدانست، می‌توان بیان داشت مولفه مدیریت و نگهداری با میانگین ۲٫۸۶ بالاترین میزان اثر گذاری را بروی امنیت محدوده داراست در عین حال شاخص نظارت با حداقل میانگین ۲٫۳۵ کمترین اثر گذاری را دارا می‌باشد. در ارتباط با سایر مولفه‌ها، مولفه کالبدی به دلیل وجود زیر معیارهایی همچون نورپردازی مناسب فضاها و وجود زمینه‌های متروکه هر کدام با ۳٫۳ و اختلاط مناسب کاربری‌ها با ۲٫۱ بیشترین و کمترین امتیاز در امنیت محدوده دارند.

جدول شماره ۴ میانگین مولفه‌های موثر امنیت در محله تهرانپارس

انحراف استاندارد	میانگین	سطح دوم	سطح اول
۲٫۴۵	۲٫۶	فضاهای غیر ضروری و پنهان (غیر قابل دفاع)	فیزیکی و کالبدی ۲٫۴۲
۲٫۳۳	۲٫۲	وجود زوایای پنهان	
۳٫۱۲	۲٫۳	فشرده‌گی بافت	
۲٫۳۵	۳٫۳	وجود زمین‌های متروکه و مخروبه در محله	حس تعلق ۲٫۵
۳٫۱۵	۲٫۵	میزان تمایل به سکونت در محیط	

۲,۳۴	۳,۲	نظارت مطلوب بر فضاها	نظارت ۲,۳۵
۲,۳۷	۳,۳	نورپردازی مناسب فضاها	
۲,۶۵	۲,۱	اختلاط مناسب کاربری ها	
۲,۸۹	۲,۴	وجود کاربری های شبانه	
۳,۵۳	۲,۷۵	وجود باز شوها به سمت خیابان	
۲,۲۱	۳,۱	سهولت دسترسی و حرکت برای افراد	دسترسی ۲,۷۸
۲,۱۶	۲,۳	ترکیب مسیرهای تردد	
۳,۸۹	۲,۵۱	وجود کوچه های بن بست و کوتاه	
۳,۹۱	۳,۱۱	وجود درها و پنجره های استاندارد	
۲,۵۸	۲,۹	سرزنگی و پویایی مسیرهای تردد	
۲,۸۹	۲,۹	جاذب جمعیت بودن فضاها	مدیریت و نگهداری ۲,۸۶
۲,۵۵	۳,۲	مکانیابی بهینه کاربری ها	
۲,۷۵	۲,۸	رسیدگی و نظارت مستمر بر فضا	
۳,۵۳	۳,۱	انگیزه های سرمایه گذاری در محدوده	
۲,۷۴	۲,۵	جاگذاری مناسب مبلمان شهری و تجهیزات عمومی	
۳	۲,۷	طراحی مراکز بالقوه تجمع	

برای اندازه گیری میزان رضایت از امنیت در محیط های سکونت در این مقاله از شاخص CSM^۱ استفاده می گردد. برای محاسبه این شاخص با استفاده از رابطه زیر به استخراج درصد میزان رضایت ساکنان از امنیت در هر یک از متغیرها پرداخته می شود (جبین، ۲۰۰۳):

$$CSM = \frac{\sum_{i=1}^n \alpha_i \cdot \beta_i}{\sum_{i=1}^n \alpha_i \cdot (\max \beta_i)} * 100$$

که در این رابطه CSM میزان رضایتمندی ساکنین از وضعیت امنیت، ساکنان

محلّه تهرانپارس از مولفه‌های موجود در مبانی نظری به درصد است. بدیهی است که شاخص ۱۰۰ به معنی رضایت کامل می‌باشد و این شاخص هر چقدر از ۱۰۰ کمتر باشد، فاصله بیشتر انتظارات را با رضایتمندی ایجاد شده نشان می‌دهد (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۰).

با توجه به فرضیه اول پژوهش که بالا بودن میزان احساس امنیت ساکنین محیط‌های سکونتی محلّه تهرانپارس بالا ذکر شده بود در بررسی‌های صورت گرفته بصورت مجزا میزان رضایتمندی از امنیت ساکنین محلّه با توجه به مولفه‌های اشاره شده شامل، فیزیکی و کالبدی (۵۱/۱ درصد)، حس تعلق (۴۹/۴ درصد)، نظارت (۵۷/۲ درصد)، دسترسی (۶۵/۹ درصد)، مدیریت و نگهداری (۴۱/۱ درصد) را نشان می‌دهد که مطابق جدول شماره ۵، پایین بودن میزان رضایت ساکنین در بخش مسکن و بالا بودن رضایتمندی در حوزه حمل و نقل و دسترسی را تایید می‌کند. با توجه به ارزیابی رضایتمندی ساکنین از امنیت محدوده مورد مطالعه در در مرحله دوم از تحقیق، تاثیر رضایتمندی و یا عدم رضایتمندی امنیت مورد بررسی قرار گرفته است و در مجموع با احتساب میزان ۴۷/۰۶ نشان دهنده این نکته است که ساکنین محلّه از امنیت محدوده سکونتی خود رضایت کافی را ندارند.

جدول شماره ۵. میزان انتظار و عملکرد رضایتمندی از امنیت در بخش‌های مختلف (٪)

میزان رضایتمندی			شرح
اختلاف عملکرد	انتظار	عملکرد	
۴۸/۹	۱۰۰	۵۱/۱	فیزیکی و کالبدی
۵۰/۶	۱۰۰	۴۹/۴	حس تعلق
۴۲/۸	۱۰۰	۵۷/۲	نظارت
۳۴/۱	۱۰۰	۶۵/۹	دسترسی
۵۸/۹	۱۰۰	۴۱/۱	مدیریت و نگهداری
۴۷/۰۶	۱۰۰	-	مجموع

نتیجه گیری و پیشنهادات

موضوع امنیت شهری از جمله موضوعاتی است که توسط متخصصین حوزه‌های علوم شهری، سیاستمداران و مدیران بطور زیاد مطرح شده و اما تعریف دقیقی تاکنون از آن ارائه نگردیده است و بررسی‌های پیرامون تعریف مختلف مرتبط با موضوع امنیت بطور کلی نشان داد که امنیت شهری از طریق اضداد و تهدیدات خود قابل تعریف است و این واژه گستره وسیعی از تهدیدات مربوط به شهر را در بر می‌گیرد در این ارائه امنیت شهری از بعد تهدیدهای مطرح از سوی جرم و پیشگیری از آن مورد بررسی قرار گرفت از «آنجا که به امنیت شهری از دیدگاه برنامه ریزی شهری کمتر توجه شده است و از سوی اهمیت برنامه ریزی شهری در مورد موضوعات مرتبط با شهر از جایگاه بالایی برخوردار است و در بیشتر موارد می‌توان با برنامه ریزی دقیق و اتخاذ سیاست‌های مناسب در حوزه کاربری اراضی شهری امکان بروز برخی از تهدیدات شهری را محدود نمود.

پژوهش حاضر با هدف بررسی مولفه‌های تاثیر گذار بر افزایش احساس امنیت در محله تهرانپارس در منطقه چهار تهران سعی بر ارزیابی ناامنی محیط‌های سکونتی این محله را داشت که ابتدا پنج معیار و بیست و یک زیر معیار به عنوان مهمترین مولفه‌های تاثیر گذار بر افزایش امنیت محدوده تهرانپارس غربی شناسایی گردید سپس توسط جدول سوات و روش‌های اماری مورد پردازش قرار گرفت. با توجه به فرضیات مقاله مهمترین نتایج آن نورپردازی مناسب فضاها و طراحی مناسب ساختمانها استخراج گردید. نظر به اینکه وضعیت روشنایی در این محدوده تا حدودی در برخی از نقاط محدوده نامناسب می‌باشد و از طرفی دیگر وجود فضاهای غیر قابل دفاع و جرم خیز در قسمت‌هایی از محدوده می‌تواند تاثیر زیادی بر روی مفهوم امنیت داشته باشد که این موضوع تاییدی است بر نظریه جیسون که معتقد است نخستین ایده ممانعت از جرم و مراقبت از افراد، تحت نظر داشتن و مشاهده است. این ویژگی برای افزایش دید و نظارت بر دارایی‌ها و ساختمان‌ها انجام می‌گیرد. طراحی محیطی جرم ستیز در این نوع نظارت، اهالی محل به صورت عادی و اتفاقی فضاهای عمومی و نیمه عمومی محل زندگی خود را زیر نظر دارند و افراد غریبه را در محل شناسایی می‌کنند و توجه به روشنایی و نورپردازی محیط نیز سیاست مطلوبی در این جهت می‌باشد.

همچنین در جهت ارتقای امنیت شهری در این تحقیق لزوم استفاده از پتانسیل مشارکت مردمی و بالا بردن حس هویت و تعلق خاطر بیشتر ساکنین در محله می باشد زیرا محلاتی که دارای بیشترین تعلق خاطر ساکنین را دارد جرم و جنایت کمتری در آنها رخ می دهد که این معیار نیز تاییدی است بر نظریه پترسن که معتقد است منظور این است که این امکان فراهم شود تا برخی از فعالیت های اجتماعی در مناطق شهر ایجاد شود که علاوه بر اشتغال زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش داد. بسیاری از جرایم شهری در مناطقی روی می دهد که نظارت عمومی کم است و انسان حضور فیزیکی ندارد. در این روش تلاش می شود تا نوعی توانمندسازی در فعالیت های اجتماعی صورت گیرد و در واقع در مناطق شهری و خاصه مناطقی که امکان جرم خیزی در آنها بیشتر است، فعالیت های اجتماعی و حضور افراد افزوده گردد.

سومین اولویت در همین راستا طبق تحقیق انجام گرفته ارتقای فضاهای شهری به منظور بالا رفتن کیفیت عرصه های عمومی که خود این اقدام سبب افزایش مشارکت ساکنین و برقراری امنیت می گردد. همچنین حذف فضاهای غیر قابل دفاع و حتی تغییر کاربری برخی از فضاها از فضاهای پوچ و مخرب مانند زمین های خالی و متروکه و سامان دادن به فضاهای زیر پل ها به فضاهای سبز و تفریحی پاتوق ها و مراکز تفریحی می باشد زیرا بر اساس نظریه نیومن فضاهای آسیب پذیر و یا غیر قابل دفاع بشدت می تواند امنیت فضاهای شهری را تهدید کند و این مسئله موجب کاهش ترس ساکنان خواهد شد؛ زیرا آنها اطمینان حاصل می کنند که مجرمان بالقوه به راحتی قابل تشخیص و مشاهده و متعاقباً دستگیری می باشند. حال به منظور کاربرد اولویت هایی که اشاره گردید اقدامات زیر را می توان بصورت خردتر بمنظور افزایش امنیت در منطقه مورد مطالعه عملیاتی ساخت.

الف) پیشنهادهاتی که از طریق تدوین، تصویب و اجرای ضوابط و مقررات در ارتقاء امنیت شهری می تواند تاثیر مثبت داشته باشد :

- قرار دادن فعالیت های امن در درون و پیرامون مکان های ناامن.
- ترکیب و استقرار کاربری های با فعالیت زمانی زیاد پیرامون کاربری های

که فعالیت زمانی آنها در طول شبانه روز محدود می باشند.

- حذف کاربری های با عملکرد فرا منطقه ای یا فرا ناحیه ای ناسازگار با محیط های مسکونی از طریق ضوابط و مقررات.
- ایجاد پارکینگ محله ای .

- تعریض معابر و دسترسی های داخل محله ها.
- تعبیه کاربری های با عملکرد شبانه روزی در خیابان.
- کاهش گوشه های تاریک و مخفی در خیابان با اعمال نظارت مستمر بر ساخت و سازها و تغییرات کالبدی که در طول زمان اتفاق می افتد.
- جلوگیری از انحصاری شدن فضا بای گروه های خاص.
- تغییر کاربری های ناامن کننده مستقر در مجاورت محیط های مسکونی.

ب) پیشنهادهای که از طریق سیاست های تشویقی در راستای ارتقاء امنیت شهری توسط شهروندان قابل اجراست.

- گسترش کاربری های تامین کننده نیازهای روزمره ساکنان محله.
- اتخاذ سیاست های تشویقی در راستای شکل گیری کاربری های مختلط.
- تشویق ساکنان به بن بست نمودن کوچه ها.
- ترغیب ساکنان به تامین روشنایی مطلوب معابر در شب.
- افزایش قابلیت استفاده از پارک ها و فضاهای سبز با افزایش نظارت رسمی و غیر رسمی.
- ایجاد امکان استقرار و شکل گیری واحدهای مسکونی در برخی نقاط از خیابان در طبقه فوقانی واحدهای تجاری.
- گسترش زمینه لازم برای حضور افراد ساکن در فضاهای بیرون از خانه در سطح محله به همراه کاستن از جذابیت برای افراد غیر ساکن.

ج) پیشنهادهای که می تواند توسط سازمان ها و نهادهای متولی مدیریت شهری جامعه ی عمل پوشانند.

- افزایش تسهیلات لازم جهت حضور و فعالیت مستمر کودکان، زنان ، سالخوردگان و
- ایجاد فضاهای عمومی و فرهنگی برقراری تعاملات اجتماعی ساکنین محله در آن.
- ایجاد فضاهای برای گذران اوقات فراغت جوانان.

- ایجاد فضاهای ورزشی در محله.
- ایجاد قابلیت استفاده‌های متفاوت از خیابان در شبانه روز.
- نورپردازی‌های مناسب در تقاطع‌ها، خیابان، پیاده روها، میدین و پارک‌ها.
- ایجاد امکان مراقبت بصری و دائمی در خیابان از طریق بدنه‌ها.
- پراکندگی مناسب نقاط فعال و روشن در وطل خیابان.
- فراهم نمودن بسترهای لازم برای استفاده همزمان گروه‌های مختلف اجتماعی از فضا.
- تفکیک مناسب عرصه‌های خصوصی و عمومی.
- تعیین مرز فضای با نمادها و علائم.
- تعبیه برخی علائم و تابلوهای هشدار دهنده در فضاهای عمومی برای استفاده کنندگان نامشروع.
- انتخاب پوشش گیاهی مناسب برای فضاهای سبز داخل محله و پارک‌ها.
- حذف نقاط کور و خلوت در پارک‌ها و سایر فضاها.

منابع

- احمدی، علی اصغر؛ (۱۳۸۵)؛ امنیت و احساس امنیت، فصلنامه تخصصی و کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره چهارم و پنجم، تهران، انتشارات آشنایی.
- افتخاری، اصغر؛ (۱۳۸۲)؛ ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران؛ مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد اول، معاونت اجتماعی ناجا؛ تهران، انتشارات گلپونه.
- بوزان، باری؛ (۱۳۷۸)؛ مردم، دولتها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات مطالعات راهبردی.
- جهانبخش گنجه، صادق؛ طاهری، زهرا؛ مظفری نیا، سهراب؛ قاسمی پور، مریم؛ (۱۳۹۵)؛ تأثیر تجربه جرم بر احساس امنیت؛ فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ۴۷(۹)؛ ۵۳-۷۹.
- کریمی، علی اکبر (۱۳۹۱)، بررسی نگرش های سیاسی حاشیه نشینان، مطالعه موردی نسیم شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات نیشابور.
- بهیان، شاپور و فیروزآبادی، آمنه (۱۳۹۲)، بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهرها مطالعه موردی کرمان، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال ۳، شماره ۶، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- ماندل، رابرت؛ (۱۳۷۹)، «چهره متغیر امنیت ملی، تهران»، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی.
- موسی کاظمی، (۱۳۸۷)، ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری، پژوهش موردی شهرقم، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- محمودی نژاد، هادی؛ (۱۳۸۹)؛ نقد کتاب ویژگی های محیطی فضاهای شهری امن، تهران.
- معین؛ (۱۳۸۴)؛ فرهنگ معین، جلد اول، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم.
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل؛ ذیحی، حسین؛ (۱۳۹۵)؛ ارائه مدل تحلیلی به منظور پیشگیری از وقوع جرم (سرقت) از ساختمان های مسکونی با توجه

به رویکرد پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی (CPTED) (مطالعه موردی: منطقه ۱ شهرداری قزوین)؛ فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی؛ ۴۷(۹)؛ ۱۳۹-۱۷۲.

● صالحی، اسماعیل؛ (۱۳۸۳)؛ «عوامل فضایی و کالبدی موثر در پیدایش آنومی در محله‌های شهری»، چکیده مقالات همایش توسعه محله ای چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، تهران، تهران.

● تریف، تری؛ (۱۳۸۳)؛ مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران.

● عباسی ورکی، الهام؛ (۱۳۸۸)؛ شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS، نمونه موردی بزه قاچاق و سوء مصرف مواد مخدر در شهر قزوین، پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا، به راهنمایی محسن کلانتری.

● Alizadeh, Hooshmand. (2007), «Changes of Conceptions of Women's Public Space in Kurdish City». *Cities*, Vol. 24, No. 6, pp: 421-410.

● Armitage, R. and L. Monchuk. (2010). «Reconciling security with sustainability: the challenge for eco-homes.» *Built Environment* 3(35), PP. 327-308.

● Ahlbrandt, M. (1984) «Assessment of residential satisfaction in newly designed public low-cost housing in Kuala Lumpur, Malaysia»; *J. Habitat International*, 34, pp: 27-18.

● Baba, Y. and D. M. Austin. (1989), «Neighborhood Environmental Satisfaction, Victimization, and Social Portici potion as Determinants of Perceived Neighborhood Safety». *Environment and Behavior* ,780-763 : (6) 21.

● Boyle, Julie & Dr Findlay, Catherine and Forsyth, Leslie. (2004), «An Investigation into Women's Perceptions of Fear and the Design

- of the Urban Environment”, Open space, London, Edinburgh College of Art, School of Architecture, Tourism Management.
- Blobaum, A; Hunecke, M.(2016), Perceived danger in urban public space-The Impacts of Physical Features and Personal Factors, Environment and Behavior, Vol. 37, PP. 486-465.
 - Cozen, P.M; Saville, G; Hillier, D.(2005), “Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography”, Property Management, Vol. 23 No. 5, pp. 356-328.
 - Cooper, M. (1986), «Psychological adaptation and quality of life in multiple scleriosis: assessment of the disability centrality model», Journal of Rehabilitation, 73(1).
 - Eeseman, R., Kattle, M., & Feijten, P. (1990). Partner (dis) agreement on moving desires and the subsequent moving behaviour of couples. Population, Space and Place, Early View, 15-1. DOI: 10.1002/psp.700.
 - Greenberg, S.(1982).»Legacy of the Chicago School of Sociology». ISBN 984145 781905 9 lulu.com/9238347
 - Hart, Christopher. (2010), «Legacy of the Chicago School of Sociology». ISBN 984145 781905 9 lulu.com/9238347.
 - Hipp, N. (2000), «National, Societal and Human Security Discussion (case study of the Israel)Palestine conflict.
 - Hamsuddin, Sh. B; Hussin, N .(2016), Safe City Concept and Crime Prevention through Environmental Design)CPTED(for Urban Sustainability in Malaysian Cities, American Transactions on Engineering & Applied Sciences, Vol. 2, No. 3, PP. 245-223.
 - Jacobs.(1981), «The death and life of great American cities». New York: Vintage Books.
 - Jeffery, M. (1971) Analyzing Migration Decisionmaking:

- Relationships between Residential Satisfaction, Mobility Intentions, and Moving Behavior, *Environment and Planning A*, 1495–1473 ,30.
- Jeanne, A.J. van der (2003). Residential Mobility and Commuting. PhD dissertation, Vrije Universiteit, Amsterdam
 - Park, H. (2015), Designing out Crime in South Korea: Qualitative Analysis of Contemporary CPTED-Related Issues, *Asia Pacific Journal of Police & Criminal Justice*, Vol. 8 No. 2, pp. 48-21.
 - Pettit, Becky. (2004), “Moving and Children’s Social Connections: Neighborhood Context and the Consequences of Moving for Low-Income Families,” *Sociological Forum* 311–285 :(2) 19.
 - Pesonen, M., Kurttila, M., Kajanus, M., Heinonen, P. (2000), Assessing the Priorities using SWOT among resources management strategies at the finish forest and park service. *Forest Science* 4)47), PP 541 -534.
 - Schneider, N. (2007) «Urban space and its information field, university of texas at sanantonio, USA.
 - Sites, R.K., J.R.R. (1973), «Exploring the potential for silvopasture adoption in South-central Florida: an application of SWOT-AHP method», *Agricultural Systems*, 199–185 :81.
 - Strassmann, W.P. (2000), Mobility and Affordability in US Housing, *Urban Studies*, 126–113 ,(1)37.
 - Lauren M., j., I.M.L., Ross .(2012). Intra-urban Migration in Greater Glasgow; paper given to the population studies Group of the institute of British geographers Glasgow, September, pp 45-32.
 - Marans, N. Rodgers, C.C.M., (1975). Measuring residential satisfaction: a residential environmental satisfaction scale (RESS).

- Journal of housing and built environment, 304–287 ,22.
- Mohit, M. A. (2010). Assessment of Residential Satisfaction in Newly Designed Public Low-Cost Housing in Kuala Lumpur, Malaysia. Habitat International , 27–18 ,34.
 - Newman, O. (1973), «Defensible Space: People and Design in the Violent City», London, Architectural Press.
 - Oktay, m., & Orcunoglu, H. (2007), «Evaluation Of Traditional And Recent Residential Environments From Users’ Point Of View:The Case Of Ozankoy,North Cyprus». international conference. Rotterdam.
 - Oxford.(1998), «Essential Word In English». English Book.
 - Wallace, M. and Wisener, M. and Collins, K. (2006), Statistics Canada, Neighbourhood Characteristics and the Distribution of Crime in Regina. available at: <http://www.statcan.ca>.
 - Wisener, m., & Orcunoglu, H. (2004), «Evaluation Of Traditional And Recent Residential Environments From Users’ Point Of View:The Case Of Ozankoy,North Cyprus». international conference. Rotterdam.